

بررسی و مقایسه مؤلفه‌های تمدنی میان ایران و آمریکا

فرزاد جهان بین^۱

محمدجواد فتاحی^۲

چکیده

آمریکا محور تمدن غربی به مثابه تمدن غالب کنونی است و ایران، داعیه‌ی برپایی تمدن نوین اسلامی دارد. از این‌رو، نوعی رقابت تمدنی میان این دو کنشگر برقرار شده است که یکی درصدد حفظ و گسترش استیلاء تمدنی و دیگری درصدد برپایی تمدن جدید می‌باشد. پرسش اصلی پژوهش این است که چه مؤلفه‌هایی در رقابت تمدنی میان آمریکا و ایران مؤثر است و این مؤلفه‌ها در محیط کنونی و آینده از چه وضعیتی برخوردارند؟ در همین زمینه، نه مؤلفه «ایدئولوژی»، عوامل «جغرافیایی»، «انسانی و اجتماعی»، «فرهنگی»، «سیاسی»، «اقتصادی»، «نظامی»، «سیاست خارجی» و «علم و فناوری» برشمرده شده که از رهگذر بررسی آنها می‌توان به پاسخی مناسب برای سؤال اصلی نائل آمد. این مؤلفه‌ها در دو محیط کنونی و آینده مورد بررسی قرار می‌گیرند. بررسی‌های صورت پذیرفته نشان می‌دهد که از میان مؤلفه‌های یادشده، مؤلفه‌های نرم در جهان آینده اولویت ویژه‌ای پیدا می‌کنند و از تأثیرگذاری مؤلفه‌های سخت کاسته و بر اهمیت این مؤلفه‌ها افزوده می‌شود. از این حیث، ایران با توجه به قابلیت‌های خود در عرصه قدرت نرم، سرانجام منازعه را به نفع تمدن نوین اسلامی تغییر دهد.

کلید واژه‌ها: ایران، آمریکا، فرهنگ، نظام بین‌الملل، نزاع تمدنی.

۱- Email: farzadjahanbein@gmail.com

۲- Email: f.mjavad@yahoo.com

۱- استادیار دانشگاه شاهد (نویسنده مسئول)

۲- دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش آینده پژوهی
مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد

مقدمه

دنیای سیاست بین‌الملل از گذشته‌های دور، عرصه رقابت هم در سطح واحدهای حکومتی و هم در صورت کلان آن نزاع بین تمدن‌های مستقر و کشورهای مستعد تمدن سازی بوده است. باید به این مهم عنایت داشت که در دنیای کنونی نیز این مسئله مشاهده می‌شود و شواهد و قرائن نیز نشان می‌دهد که در آینده رقابت‌ها و درگیری‌های تمدنی تشدید خواهد شد. اندیشمندان زیادی در این خصوص به ارائه آراء و نقطه نظرات خود اقدام کرده‌اند. یکی از این افراد ساموئل هانتینگتون^۱ است که نظریه جنگال برانگیز خود به نام «برخورد تمدن‌ها»^۲ را مطرح نموده است. درخور توجه است که هانتینگتون بدون اینکه بخواهد همچون برخی از تحلیلگران، پایان جنگ سرد را به مثابه پایان مناقشات ایدئولوژیک تلقی کند، آن را سرآغاز دوران جدید برخورد تمدن‌ها می‌انگارد. وی بر این اعتقاد است که: «تفاوت بین تمدن‌ها تنها جدی نیست بلکه اساسی است. تمدن‌ها در حوزه‌های تاریخ، زبان، فرهنگ، سنت و از همه مهم‌تر مذهب از یکدیگر متفاوت هستند. مردم تمدن‌های مختلف دیدگاه‌های متفاوتی در مورد رابطه خدا و مردم، فرد و گروه، شهروندان و دولت، والدین و بچه‌ها، زندگی زناشویی، حقوق و مسئولیت، آزادی و اقتدار دارند». در همین راستا تمدن‌های زنده جهان را به هفت یا هشت تمدن بزرگ تقسیم می‌کند. این تمدن‌ها شامل تمدن‌های غربی، کنفوسیوسی، اسلامی، هند، اسلاو، امریکای لاتین، ارتدکس و تمدن آفریقایی می‌باشند (Huntington, 1993:25). به علاوه هانتینگتون خطوط گسل میان تمدن‌های مزبور را منشاء درگیری‌های آتی و جایگزین واحد کهن «دولت-ملت»^۳ معرفی می‌کند.

بر این اساس، مسائل جهانی تحت الشعاع قرار می‌گیرد و در عصر نو صف آرایی‌های تازه‌ای بر محور تمدن‌ها شکل می‌گیرد و سرانجام نیز تمدن‌های اسلامی و کنفوسیوسی در کنار هم، در مقابل تمدن غرب قرار می‌گیرند. کانون اصلی درگیری‌ها در آینده، بین تمدن غرب و اتحاد کنفوسیوسی شرق آسیا و جهان اسلام خواهد بود و در واقع درگیری‌های تمدنی، آخرین مرحله تکامل درگیری در جهان نو است. هانتینگتون بر این اعتقاد است که: «تنش و خشونت بین دولت‌ها و گروه‌هایی در درون تمدن‌ها رخ خواهد داد. منتها این تنش‌ها از شدت و وسعت کمتری در قیاس با نزاع‌های بین تمدنی برخوردار است» (ibid, 30-31).

نظریه «پایان تاریخ»^۴ نیز که از سوی فرانسیس فوکویاما^۵ ارائه شده است از دیگر مباحثی است که در بطن آن نوعی نزاع تمدنی به چشم می‌خورد. جوهر اندیشه فوکویاما مبتنی بر این باور است که جهان در پی فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، وضعیت نوینی را تجربه می‌کند که در آن ارزش‌های لیبرال-دموکراسی حاصل برترین منافع انسان معاصر می‌باشد. لذا تصریح می‌کند که آخر الزمان فرا رسیده است و

1. Samuel P. Huntington
2. The clash of civilizations
3. NATION - STATE
4. The End of History
5. Francis Fukuyama

ارزش‌های «لیبرال-دموکراسی» نشان داده‌اند که به بهترین وجهی نیازهای انسان معاصر را برآورده می‌سازند. از منظر وی با پایان جنگ سرد و فروپاشی اردوگاه کمونیسم، عصر رقابت و حاکمیت ایدئولوژی‌ها- پایان ایدئولوژی^۱- به سر آمده و جامعه بشری در آینده رو به «لیبرال-دموکراسی»^۲ می‌آورد. دموکراسی لیبرال آخرین شکل حکومت و پایان تاریخ است و انسان امروزه هیچ راهی جزء پذیرفتن این ایدئولوژی ندارد، دولت‌ها و ملت‌ها با پذیرفتن نظام «لیبرال-دموکراسی» شکل یکسان و شبیه به هم پیدا خواهند کرد. تکامل ایدئولوژی لیبرال دموکراسی موجب برتری^۳ تاریخی آن و پیروزی قدرت نظامی و اقتصادی آن است. لیبرال-دموکراسی ایدئولوژی تکامل یافته‌ای است که جبر تاریخی، آن را الگوی مطلوب همه انسان‌ها ساخته است. آنچه که ما شاهد آن هستیم، نه فقط پایان جنگ سرد، بلکه پایان تاریخ است. نقطه پایان تاریخ، تحول ایدئولوژی بشریت و جهانی‌شدن دموکراسی غربی، به‌عنوان شکل نهایی حکومت است. سده‌های ملامت باری چشم به راه آدمی است. پایان تاریخ دوره بسیار اندوه باری خواهد بود. پیکار برای اکتشاف، آمادگی برای به خطر افکندن زندگی در راه یک آرمان کاملاً انتزاعی و مجرد، نبرد ایدئولوژیک جهانی که مستلزم بی‌باکی و شهامت است (فوکویاما، ۱۳۹۳: ۱۸). وی پس از سال‌ها و با نظر داشتن تحولاتی که در عرصه جهانی رخ داده است، مجدداً بر اصالت دموکراسی لیبرال مدرن و سرمایه‌داری بازار تأکید می‌ورزد و این‌گونه اشاره می‌کند: «بیش از ده سال پیش من استدلال کردم که ما به پایان تاریخ رسیده‌ایم، نه به‌عنوان اینکه رویدادهای تاریخی متفاوت خواهد شد. بلکه به این معنی که تاریخ به تکامل جوامع بشری با قالب‌های متفاوت حکومت، در لیبرال دموکراسی بازار محور به اوج خود رسیده است. به نظر من این فرضیه علی‌رغم رویدادهایی که از زمان وقوع حادثه یازده سپتامبر رخ داده، همچنان صادق است. مدرنیته آن‌طور که توسط ایالات متحده آمریکا و دیگر دموکراسی‌های غربی و توسعه یافته ارائه می‌شود. به‌عنوان نیروی مسلط در سیاست جهانی باقی خواهد ماند و نهادهایی که مظهر اصول اساسی آزادی و برابری غرب هستند. همچنان در اطراف و اکناف جهان گسترش خواهند یافت» (فوکویاما، ۱۳۸۹: ۱۳).

انقلاب اسلامی با بیان نظریه «نه شرقی، نه غربی» بر آن بود تا ابر نظامی جمعی مبتنی بر برابری دولت‌ها و حاکمیت‌ها و تحقق حقوق الهی و انسانی ملت‌ها در نظام بین‌الملل را رقم زند و با احیای ظرفیت‌ها و امکانات فراموش شده ملت‌های غیرمتعهد و نفی انفعال و مرعوبیت در برابر استکبار، درصدد قطع ریشه‌های وابستگی ملت‌ها به قدرت‌های بزرگ و درافکندن طرحی نو برآید. هدف نهایی انقلاب اسلامی رسیدن به تمدن نوین اسلامی در زنجیره‌ای منطقی و مستمر است. این زنجیره از حلقه انقلاب اسلامی آغاز شده و پس از شکل‌گیری نظام اسلامی وارد مرحله دولت اسلامی می‌گردد؛ و پس از دولت اسلامی، جامعه اسلامی اسوه تحقق می‌یابد و این برق که در این گوشه از جهان درخشیدن گرفته بسان

1. end of ideology
2. liberal democracy
3. victory

تمام تمدن‌ها در بستری طبیعی در جهان اسلام و نیز در جهان بشریت تالو می‌یابد و فصلی نو در حیات بشر رقم می‌زند. با توجه به آنچه گفته شد، سطح درگیری میان ایران و آمریکا را می‌توان سطح درگیری تمدنی دانست. هر تمدنی دارای محور و میدان است. محور یا کانون تمدن، نقش اصلی در شکل‌گیری مرکزیت و گسترش تمدن دارد و میدان، قلمرو جغرافیایی است که تمدن مذکور در آن حضور دارد. آمریکا محوریت تمدن غربی را دارد و ایران داعیه‌دار شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی است.

بر این اساس، مسأله و بالتبع، سؤال اصلی در نوشتار حاضر آن است که چه مؤلفه‌هایی در رقابت تمدنی میان آمریکا و ایران مؤثرند و سرانجام این رقابت بر اساس مؤلفه‌های تمدنی چه خواهد شد؟ در این نوشتار از روش توصیفی تحلیلی استفاده می‌شود. ابتدا بر اساس دیدگاه‌های مطرح، مؤلفه‌های تمدنی استخراج می‌گردد. سپس به صورت توصیفی وضعیت مؤلفه‌ها در دو کشور ایران و آمریکا مطرح می‌شود. تحلیلی از وضعیت مؤلفه‌ها در آینده ارائه می‌شود و وضعیت منازعه میان ایران و آمریکا مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

نکته مهم آنکه برخی مؤلفه‌ها در شرایط فعلی مهم هستند که ممکن است در محیط آینده، اهمیت خود را از دست بدهند و برخی دیگر در آینده دارای اهمیت شوند. برای تحلیل وضعیت منازعه لازم است این مؤلفه‌ها شناسایی گردند و مؤلفه‌هایی که آینده را شکل می‌دهند مورد توجه قرار گیرند.

مفاهیم

تمدن و نزاع تمدنی

مطالعات تمدن به عنوان یکی از مهم‌ترین حوزه‌های پژوهشی، از گذشته‌های دور ملحوظ نظر محققان قرار گرفته است. تمدن در زبان انگلیسی از لغت لاتینی Civis به معنای شهرنشین گرفته شده است و به منظور دلالت بر ویژگی‌هایی مانند لطف، کیاست و لیاقت مورد استفاده قرار گرفته است (سپهری، ۱۳۸۵: ۳۵). یونانیان با استفاده از واژه تمدن^۱، شهر را به عنوان مجموعه‌ای از نهادها و روابط اجتماعی می‌دانستند (فوزی و صنم‌زاده، ۱۳۹۱: ۹). ساموئل هانتینگتون تمدن را بالاترین گروه‌بندی فرهنگ و گسترده‌ترین سطح هویت فرهنگی به شمار می‌آورد (هانتینگتون، ۱۳۷۴: ۴۷). مک آیور تمدن را به معنای تشکل جامعه، نظام و کنترل شرایط اجتماعی؛ و کسی مثل کروبر، تمدن را به واقعیت اجتماعی خلاصه می‌کنند (روح الامینی، ۱۳۷۹: ۴۹-۵۰). ویل دورانت تمدن را عبارت از «نظم اجتماعی می‌داند که در اثر آن خلاقیت فرهنگی امکانپذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند. به علاوه در محل برخورد راه‌های بازرگانی و شهرهاست که عقل مردم بارور می‌شود (دورانت، ۱۳۳۷: ۳). عده‌ای نیز تمدن را حاصل تعالی فرهنگی و پذیرش نظم اجتماعی، می‌دانند و اینکه تمدن خروج از بادیه‌نشینی و گام نهادن در شاهراه نهادینه شده امور اجتماعی و یا به قول ابن خلدون، عمران یافتن است (ولایتی، ۱۳۸۷: ۳۲).

عوامل تمدن‌ساز

وجود مؤلفه‌های تمدن‌ساز یا فقدان آنها، تأثیر بسزایی در ظهور و افول تمدن‌ها بر جای می‌گذارد. ویل دورانت عناصر تمدن‌سازی را شامل پیش‌بینی و احتیاط در امور اقتصادی، سازمان و نظم سیاسی، سنن اخلاقی و کوشش در راه معرفت و بسط هنر، ویژگی‌های زمین‌شناختی، شرایط جغرافیایی، زیستی، روانی، وحدت زبانی و قانون اخلاقی می‌داند (دورانت، ۱۳۸۲: ۷-۳). عبدالله بدوی نیز از ده اصل اسلامی تمدنی یا اسلام حضاری ایمان به خدا و رعایت تقوای الهی، حکومت عادل و امین، مردم آزاد و مستقل، تحقیق مجدانه و تسلط بر علوم، توسعه اقتصادی متعادل و فراگیر، کیفیت مناسب زندگی، حفظ حقوق اقلیت‌ها و زنان، یکپارچگی فرهنگی و اخلاقی، حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست، قابلیت دفاعی مستحکم به‌عنوان عوامل سازنده تمدن یاد می‌کند. برخی نیز مؤلفه‌های تمدن‌سازی را شامل مواردی همچون سیطره فراملی، اراده جمعی و انسانی، دارا بودن مهد، جامعه و سرزمین، شمولیت در روابط فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، قدرت نفوذ، جریان‌سازی اجتماعی و برتری‌طلبی، تعالی‌جویی و آرمان‌خواهی فراگیر، تأثیر در تحولات تاریخی می‌دانند (حسینی، ۱۳۹۳: ۳۷). غسان‌العزری در کتاب *سیاست القوه؛ مستقبل النظام الدولی والقوی العظمی*، بر این اعتقاد است که جهت قرار گرفتن در رأس تمدن، شروطی همانند پیشرفت در زمینه علمی و فناوری، اوضاع اقتصادی و مالی مطلوب، قدرتمندی نظامی، موقعیت جغرافیایی مناسب و ذخایر انرژی، فرهنگ تأثیرگذار و توانمندی دیپلماتیک لازم است (العزری، ۲۰۰۰: ۳۲۷). به‌طور کلی با کنکاش در منابع، می‌توان نه مؤلفه ایدئولوژی، موقعیت جغرافیایی، انسانی و اجتماعی، حوزه فرهنگی، مؤلفه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، سیاست خارجی، علم و فناوری، را به‌عنوان مهم‌ترین عناصر تمدن‌ساز دانست.

مؤلفه‌های تمدنی و مقایسه وضعیت دو کشور آمریکا و ایران

تمدن‌سازی از رهگذر وجود مؤلفه‌های مقوم تمدن‌ساز میسر می‌گردد و صرفاً وجود اسمی این مؤلفه‌ها کفایت نمی‌کند؛ بلکه جهت جامه عمل پوشاندن به ایده‌های تمدنی لازم است که پتانسیل‌های بالقوه کشورها به‌صورت بالفعل درآیند. مؤلفه‌های تأثیرگذار بر منازعه تمدنی ایران و آمریکا را می‌توان به دو دسته نرم و سخت تقسیم کرد:

مؤلفه‌های نرم

این مؤلفه‌ها ناظر بر ابعاد غیرسخت قدرت همانند ظرفیت‌های انسانی و اجتماعی، فرهنگ، دین، ایدئولوژی و علم است و مبنایی برای مؤلفه‌های سخت‌افزاری قرار می‌گیرند.

ظرفیت‌های انسانی و اجتماعی

در جهان رقابتی امروز یکی از مؤلفه‌های مهم جهت برپایی یا نگهداشت وضعیت تمدنی، ظرفیت‌های انسانی و قابلیت‌های اجتماعی می‌باشد که اهتمام نسبت به توانمندسازی این مؤلفه یا بالعکس اهمال

نسبت بدان تأثیر مستقیمی بر اندیشه‌ها و ایده‌های تمدنی از خود بر جای خواهد گذارد. کشور ایران از ظرفیت‌های درخور توجهی در حوزه انسانی و اجتماعی برخوردار است که کمتر جوامعی را در پهنه گیتی می‌توان یافت که واجد این خصائص باشند. در حال حاضر جمعیت ایران بالغ بر ۸۰,۷۰۴,۵۲۶ نفر می‌باشد. ترکیب سنی نیز به این صورت است که ۲۴/۱ درصد ایران بین دامنه سنی ۰ تا ۱۵ سال، ۷۰/۹ درصد جمعیت بین سنین ۱۵ تا ۶۴ سال و ۵ درصد جمعیت نیز بالای ۶۵ سال هستند که از این تعداد ۴۰,۸۸۹,۹۷۷ نفر (۵۰.۷٪) شامل مردان و ۳۹,۷۷۶,۷۳۷ نفر (۴۹.۳٪) شامل زنان می‌باشد. این مسئله حاکی از این است که ایران کشور جوانی است. در همین خصوص جمعیت جوان در صورت برنامه‌ریزی دقیق، یکی از عنصرهای اصلی قدرت ایران در آینده جهت پیشرفت به شمار می‌رود. از سوی دیگر امید به زندگی در بین مردان ایرانی ۶۸.۶ و در بین زنان ۷۱.۶ سال در بدو تولد می‌باشد که میانگین امید به زندگی در این کشور ۷۰.۱ سال در بدو تولد است. لازم به ذکر است که نرخ رشد جمعیت در ایران نیز ۱.۲۷ می‌باشد که به‌صورت روزانه ۲۷۹۷ بر جمعیت این کشور افزوده می‌شود (Countrymeters, 2017).

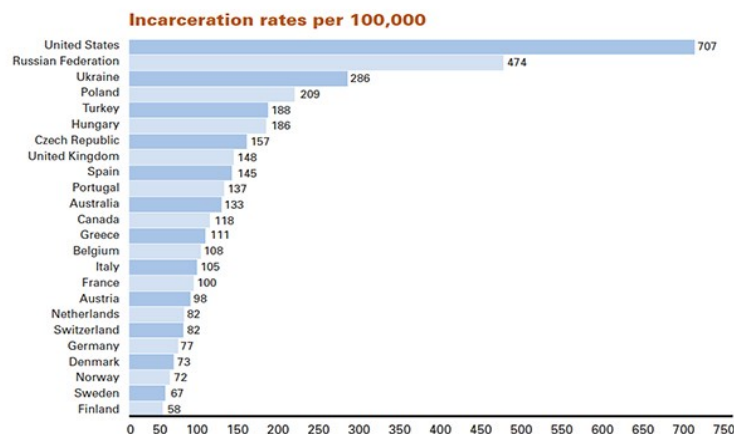
از سوی دیگر جمعیت ایالات متحده آمریکا بالغ بر ۳۲۵,۸۳۶,۸۶۰ نفر می‌باشد که از این تعداد ۱۶۰,۷۵۹,۲۶۱ نفر (۴۹.۴٪) جمعیت مردان و ۱۶۴,۸۷۹,۶۰۵ نفر (۵۰.۶٪) شامل جمعیت زنان می‌باشد. ۲۰.۱ درصد از جمعیت آمریکا در دامنه سنی ۰-۱۵ سال ۶۶.۸٪ در دامنه ۱۵ تا ۶۵ سال و ۱۳.۱ درصد نیز بالای ۶۵ سال هستند. آمار رشد جمعیت در آمریکا با رشد ۰/۷۵ درصد به سمت پیری و فرزندآوری کمتر سوق پیدا کرده و همین مسئله باعث گردیده تا بر جمعیت پیر این کشور افزوده شود و خطر کمبود نیروی کار برای آینده این کشور مایه نگرانی شود. شاخص‌های امید به زندگی در این کشور در بین مردان ۷۵.۹ و در زنان ۸۰.۹ سال در بدو زندگی را نشان می‌دهد که به‌صورت میانگین امید به زندگی در این کشور ۷۸.۴ می‌باشد.^۱ در حال حاضر نرخ رشد جمعیت آمریکا ۰/۷۵ درصد است که بر طبق شواهد و قرائن این مسئله در آینده با کاهش شدیدی مواجه خواهد شد (Countrymeter, 2017). این مسئله مؤید این است که در آینده کشور آمریکا با پیری جمعیت مواجه شده و از سوی دیگر همین مسئله بر ابعاد اقتصادی و کاهش بهره‌وری و همچنین ابعاد نظامی تأثیرگذار خواهد بود و از سوی دیگر جوانی جمعیت در ایران یکی از مهم‌ترین عوامل رشد اقتصادی و همچنین قدرت نظامی به‌شمار خواهد رفت. (Indexmundi, 2017). در همین زمینه، کانون خانواده را می‌توان مهد یک تمدن به‌شمار آورد و چنانچه هر گونه خللی در خانواده‌ها ایجاد شود، در میان مدت به سطح جامعه و در بلندمدت به سطح تمدن رسوخ پیدا می‌کند. فیلیپ اشلفلی در کتاب معروف «چه کسی خانواده آمریکایی را کشت»^۲ بر این اعتقاد است که: «در سال ۱۹۵۰ تنها ۴ درصد بچه‌های آمریکایی از مادری غیرمتاهل متولد شدند. امروزه ۴۱ درصد از بچه‌هایی که در آمریکا متولد می‌شوند، حاصل ازدواج نامشروع هستند. امروزه مادر مستقل

۱. میانگین جهانی ۷۱ سال است.

2. who killed the American family?

جایگزین مادر مجرد شده است که بر بی‌نیازی مادر از شوهر یا پدر فرزندانش تأکید می‌کند. دوره رکود عظیم سال ۱۹۳۰ که در آن میلیون‌ها نفر از مردها بیکار شدند، خانواده آمریکایی را از بین نبرد. جنگ جهانی دوم که در آن ۱۶ میلیون مرد به جنگ رفتند و مدت‌ها از خانواده دور بودند، باعث نابودی خانواده آمریکایی نشد. چه چیزی رخ داده است که ساختار خانواده که این قدر مستحکم به نظر می‌رسید را در هم شکست؟ خانواده آمریکایی را ترکیبی از فعالان سیاسی، قضات، تئوریسین‌های اقتصادی، متخصصان خودخوانده و سیاستمداران چپ‌گرا از بین بردند که انگیزه‌های متفاوت داشتند، ولی نتیجه همه آنها واحد بود» (اشلفلی، ۱۳۹۵: ۲۱-۲۳)

قابل توجه اینکه در حالی که آمریکا تنها ۵ درصد جمعیت جهان را در اختیار دارد، ۲۵ درصد از زندانیان جهان را در خود جای داده است. در حال حاضر رقمی بالغ بر ۲ میلیون و دویست هزار نفر در زندان‌های آمریکا به سر می‌برند و از هر صد هزار آمریکایی ۷۰۷ نفر در زندان هستند (Collier, 2014). نمودار ذیل مؤید این مهم است.



نمودار ۱: تعداد زندانیان در هر صد هزار نفر

(Sources: <http://www.apa.org/monitor/2014/10/incarceration.aspx>, 2017)

ایدئولوژی و مذهب

ایدئولوژی به مفهوم مجموعه‌ای از متغیرها و مفاهیم در مورد رفتار و نظام‌های اجتماعی یا دسته‌ای از اندیشه‌ها و ایده‌ها راجع به نظم و نسق سیاسی- اجتماعی و چگونگی اجرای آنها یکی از مؤلفه‌های تعیین‌کننده در حوزه تمدن‌سازی به‌شمار می‌رود. اسلام شیعی به‌عنوان ایدئولوژی رسمی ایران با داشتن مجموعه‌ای از ایده‌ها و نگرش‌های اعتقادی، ارائه دهنده یک ایدئولوژی اسلامی جهت تعالی انسان و حرکت او به سوی کمال حقیقی است. این سعادت و کمال برخلاف وعده ایدئولوژی مادی تمدن غربی نمی‌تواند، صرفاً اهداف دنیوی و مادی گروه یا قشری را در برگیرد، بلکه مبتنی بر اهداف دینی و دنیوی

تمام جامعه بشری است (امرای، ۱۳۸۳: ۱۴). به نظر می‌رسد تشیع ویژگی‌های ایدئولوژی انقلابی و همچنین تمدن‌سازی را داراست که توانست توسط ایدئولوگ انقلاب اسلامی، هم نظم موجود را زیر سؤال ببرد و هم نظام مطلوب جدیدی را نه برای ایران، بلکه برای سایر کشورها ارائه نماید. مبادی نظری شیعه به عنوان ایدئولوژی رسمی ایران، شامل اصول اعتقادی همانند اصل امامت، عدل، اعتقاد به غیبت امام دوازدهم، ظهور او به اراده الهی و شامل ارزش‌هایی همچون اجتهاد، تقیه، جهاد و... است. یکی از اصول مذهب تشیع، امامت است. اعتقاد به وجود امام عادل و معصوم، یک اصل انقلابی را در درون خود می‌پروراند و آن اصل اعتقاد به نامشروع بودن همه حکومت‌های غیرمعصوم در زمان امام معصوم و غاصبانه بودن همه حکومت‌های غیرمأذون از ناحیه معصوم، در دوران غیبت است (حسینیان، ۱۳۸۰: ۱۴). عدالتخواهی یکی دیگر از ویژگی‌های تشیع است که می‌توان آن را بزرگترین انگیزه و حساسیت شیعیان انقلابی دانست. مسئله انتظار یکی دیگر از مؤلفه‌های مهم در درون ایدئولوژی شیعی است. امید به ظهور مصلح جهانی، همواره آنها را در حالت آماده باش قرار می‌دهد و روحیه فعال به منتظران می‌دهد (مقتی زاده، ۱۳۸۴: ۳۷). همچنین عنصر شهادت یکی از قوی‌ترین نیروهای محرک رأی عمل سیاسی است و به تعبیر دکتر علی الوردی، مورخ و نویسنده عرب «پیوسته شیعه را به صورت یک آتشفشان خاموش در آورده است». از دیگر مؤلفه‌ها و مبادی نظری ایدئولوژی تشیع که عاملی برای تهییج روح انقلابی و از فروع دین می‌باشد، موضوع جهاد است. همین مسئله زمینه اعتقادی، سابقه و سرنوشت تاریخی، بستر مناسبی را برای تقویت روح مبارزه - به‌ویژه در دوره معاصر - فراهم ساخته است (لطیف پور، ۱۳۷۹: ۱۰). از این رو ایدئولوژی تشیع برآمده از اسلام، رسالتی انسانی برای تمام بشریت است و خاص جوامع مسلمان نیست و برنامه‌ای برای نجات انسان‌ها دارد.

از سوی دیگر در مقابل ایدئولوژی اسلامی تشیع، الگوی لیبرال دموکراسی به عنوان آخرین ایدئولوژی جهان سرمایه‌داری و تمدن غربی به رهبری آمریکا قرار دارد. به طور کلی ایدئولوژی آمریکایی مبتنی بر مواردی همانند دموکراسی، دولت محدود، جمهوری خواهی، حق تعیین سرنوشت، حاکمیت قانون، برابری فرصت‌ها و آزادی بیان است. سنت قوی ایدئولوژیک لیبرالیسم در آمریکا متأثر از مفاهیم همانند خاص بودن آمریکا و بین‌المللی‌گرایی یا مداخله‌گرایی است که در منازعات تمدنی گذشته و همچنین آینده اهمیت زیادی دارد. آمریکا در ادبیات سیاستی خود، معمولاً جامعه‌ی خاص، بی‌همتا و استثنایی تلقی می‌شود. آمریکایی‌ها معتقدند، نژاد آنها برترین نژاد بوده و عظمت ملی، منوط به حاکمیت ارزش‌های آنها و در نتیجه سیادت نژاد آمریکا بر دیگران است. این عقیده که آمریکا تکامل یافته‌ترین تمدن بشری است و با بقیه کشورها و ملت‌ها تفاوت فاحش دارد، در میان آمریکایی‌ها بسیار رایج است. موریس در بحث‌های قانون اساسی اعلام می‌نمود: «من به عنوان نماینده‌ی آمریکا به اینجا آمده‌ام، اما اجازه می‌دهم که خود را نماینده‌ی بشریت بدانم؛ زیرا آنچه در این کنوانسیون می‌گذرد، بر تمامی جامعه‌ی انسانی تأثیر خواهد گذاشت (امجد، ۱۳۸۳: ۱۶). بین‌المللی‌گرایی یا به تعبیری بهتر مداخله‌گرایی به معنای بسط ایدئولوژی آمریکایی و رهبری این کشور در امور جهانی است که از بدو تأسیس این نظام سیاسی در ذهن دولت

مردان این سرزمین وجود داشته است (فتحی و شیراوند، ۱۳۹۵: ۱۵۳). اکنون بسیاری از ملل دنیا از ایدئولوژی لیبرال دموکراسی به دلیل تهی بودن از ارزش‌های اخلاقی و مشاهده سیاست‌های اعمالی و جنایات آمریکا در مناطق مختلف دنیا نفرت دارند و برای دستیابی به زندگی بهتر و الگوی زیست مطلوب رو به سوی ایدئولوژی اسلام‌گرایی آورده‌اند و از این حیث در آینده پایگاه‌های مذهبی همانند ایران نقش تأثیرگذارتری در قیاس با گروه‌های سکولار دارند و این مسئله برخلاف پیش‌بینی‌های فوکویاما به‌عنوان میراث‌دار ایدئولوژی سیاست خارجی آمریکا است که اعلام کرد دیگر هیچ حرکت و انقلابی که با ارائه ایده‌ای با لیبرال - دموکراسی آمریکا دیالکتیک کرده و مانع پایان تاریخ شود، رخ نخواهد داد. از این رو می‌توان شاهد مقطعی از رهبری این کشورها در آینده بود که در آن ایدئولوژی‌هایی مانند تشیع از قدرت مؤثرتری در حل مناقشات و درگیری‌ها و همچنین تعیین روندهای آینده در سطح بین‌المللی برخوردار باشند. واقع امر آن است که ایدئولوژی لیبرال دموکراسی به دلیل ضعف در محقق ساختن شعارهای خود از یک سو و ایجاد ناامنی در آینده جای خود را به ایدئولوژی‌های رقیبی همانند اسلام‌گرایی و تشیع به‌عنوان ایده‌ای صلح‌گرایانه و بشردوستانه می‌دهند.

عوامل فرهنگی

اگر چه برای قرون متمادی تشکیل تمدن‌های بزرگ از رهگذر پیشرفت‌های نظامی و سطوح سخت‌افزاری قدرت میسر می‌گردید و بدون بهره‌گیری از مؤلفه‌های نظامی امکان تمدن‌سازی فراهم نبود، منتها امروزه مؤلفه فرهنگی از اهمیت بیشتری برخوردار است و طبیعتاً کشورهایی که از فرهنگ^۱ همه‌گیر و قابل پذیرشی برخوردار باشند، فرصت‌های بیشتری جهت تمدن‌سازی دارند. منظومه فرهنگی ایران محصول چند هزار ساله ملتی کهن و برآیند تعامل جمعی گروه‌های قومی است که هویت فرهنگی ایران را شکل بخشیده‌اند و هر یک به سهم خود بر آن لایه‌هایی گوناگون با مؤلفه‌های مثبت و منفی افزوده‌اند و در این هویت کلان فرهنگی، مستحیل و خود بخشی از آن شده‌اند. از این رو، هویت فرهنگی ایران چتر گسترده و فراگیری است که همه اقوام و گروه‌های قومی را در خود جای داده است. نمایش و ترویج ارزش‌های فرهنگی مشترک ایران با ملت‌های منطقه خاورمیانه و اوراسیا و تأثیرگذاری بر نخبگان علمی - فرهنگی کشورهای این مناطق و همچنین فراهم ساختن بستر و زمینه لازم برای برقراری تماس با افکار عمومی این کشورها از جمله مواردی هستند که با بکارگیری هویت و تمدن ایرانی می‌توانند به تقویت دیپلماسی عمومی ایران جهت تمدن‌سازی کمک نمایند.

برخی از خصلت‌ها و ارزش‌های فرهنگی مثبت ایرانیان عبارتند از: آرمان‌خواهی، عدالت‌طلبی، مهمان‌نوازی و همسازی، حق‌جویی، ظلم ستیزی، شهادت‌طلبی، منجی‌گرایی (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۸۷). آرمان‌خواهی موجب آرمان‌گرایی در سیاست خارجی از طریق تعیین اهداف و آماج‌های آرمانی و عدم

۱. فرهنگ مجموعه‌ای ارزش‌ها، هنجارها و نظام اعتقادات یک جامعه، مشتمل بر سنت‌ها، آداب و رسوم و مذاهب، ایدئولوژی و تشریفات مذهبی، میراث و یا دیدگاه‌های مشترک دیگر است.

توجه کافی به واقعیت‌ها می‌شود. عدالت طلبی، معنویت‌گرایی، حق‌جویی و ظلم‌ستیزی نیز نوعی الگوی عدالت محور و حق‌مدارانه را ایجاد می‌کند. پشتیبانی جمهوری اسلامی ایران از مظلومان و مستضعفان مسلمان و غیرمسلمان از جمله نهضت‌های آزادی بخش و صدور انقلاب تا حدی معلول این متغیرهای فرهنگی و روحیات ملی ایرانی است. مارگارت تاچر، نخست وزیر اسبق انگلستان، طی اظهار نظری در اوایل دهه‌ی ۱۹۸۰ میلادی چنین می‌گوید: «ما غربی‌ها در دهه ۱۹۸۰ از وسایل نظامی و ابزار جنگی شوروی و اقمارش واهمه نداریم، زیرا اگر بلوک شرق و اعضای پیمان ورشو مجهز به سلاح‌های نظامی بوده و به ادوات مخرب و ویرانگر مسلح می‌باشند، ما نیز به سلاح‌های مدرن و پیشرفته مسلح و مجهزیم، لیکن از حضور فرهنگی انقلاب ایران نگرانیم (عیوضی، ۱۳۹۳: ۷۹). از سوی دیگر فرهنگ آمریکایی مبتنی بر موارد مادی‌گرایانه ذیل است:

فردگرایی: آمریکایی‌ها به اولویت داشتن فردگرایی اعتقاد دارند. آمریکایی‌ها بر اساس رفتار و دستاوردهای خود مورد قضاوت قرار می‌گیرند و دیگران را هم با این دیدگاه مورد قضاوت قرار می‌دهند. آنان به گروه‌های مذهبی، قومی، نژادی و... که فرد به آنها تعلق دارند اهمیت نمی‌دهند. آمریکایی‌ها به گروه‌ها و سازمان‌هایی مظنون هستند که با آزادی‌های فردی مقابله می‌کنند و بعضاً در مقابل چنین جریان‌هایی موضع می‌گیرند. تفاوت‌های اصلی جامعه آمریکا با برخی از جوامع نیز از همین موضوع نشأت می‌گیرد.

سرمایه‌داری: آمریکایی‌ها به نظام اقتصادی معتقد هستند که سرمایه‌داری فردی به جای سرمایه‌داری خانوادگی، قبیله‌ای، دولتی یا گروهی خاص با برخی ویژگی‌های مشترک حاکم باشد. افرادی که در یک جامعه سرمایه‌داری مقدار زیادی سرمایه دارند، از احترام و قدرت خاصی در آن جامعه برخوردار هستند. (ترابی، ۱۳۹۵: ۳۶).

مدرنیسم: آمریکایی‌ها معتقدند که باید با گذر زمان روش‌ها و سنت‌های قدیمی را نو کرد. آنان بین گذر زمان و دستاوردها رابطه خطی و رو به پیشرفتی متصور می‌شوند. آنها همیشه نوآوری را به سنت‌های قدیمی و آینده را به گذشته ترجیح می‌دهند.

مصرف‌گرایی: مصرف‌گرایی برای مردم این کشور نشانگر هویت، شخصیت، باورها و ارزش‌هاست و به شدت در حال افزایش است. تا جایی‌که مصرف‌گرایی با سبک زندگی آمریکایی ممزوج شده است (Carmen, 2014: 390).

با این وجود علی‌رغم سنت‌های قوی هم اکنون در آمریکا فرهنگ‌های ضد ارزشی همانند «ازدواج هم جنس بازان» به صورت قانون در آمده است و از مزایایی همانند ازدواج زن و مرد برخوردار هستند. نیویورک تایمز با افتخار می‌نویسد: «ایالات متحده آمریکا دارد به یک جامعه پسالزدواجی تبدیل می‌شود و اشکال جدید نیمه ازدواج در آن ایجاد شده است و مرز بین ازدواج و زندگی مشترک بدون ازدواج کمرنگ شده و از انواع شبه ازدواج در اروپا الگوبرداری می‌کند (اشلفلی، ۱۳۹۵: ۹۶). در صورتی‌که ایران به عنوان رقیب تمدنی غرب سعی در افزودن بر غنای فرهنگی خود جهت نیل به وضعیت تمدنی دارد و به دنبال

نهادینه ساختن بینش‌های فرهنگی همانند معنویت‌گرایی و حق طلبی هستند که قابل قیاس با فرهنگ آمریکایی نیست. با این وصف با افول فرهنگی آمریکایی در جهان کنونی و احیای روز افزون ظرفیت‌های فرهنگ اسلامی که ایران به‌عنوان کشور مدعی تمدن‌سازی نوین اسلامی، فرهنگ اسلامی یک قطب مهم و غیرقابل انکار به‌شمار می‌رود. این مؤلفه مؤید این مهم است که ایران به‌عنوان فرزند انقلاب اسلامی و ابتدای این انقلاب بر مقوله فرهنگ، در آینده ظرفیت‌های فرهنگی- تمدنی زیادی برای تمدن‌سازی دارد. در حقیقت ما شاهد وضعیتی هستیم که شعله‌های ضدارزشی همانند تلاش جهت قانونی کردن و نهادینه‌سازی فرهنگ ازدواج هم‌جنس‌گراها انرژی عظیمی از سیاست‌مداران آمریکا را به خود اختصاص می‌دهد و در سوی دیگر ایران قرار دارد که از فرهنگ غنی برخوردار و همین مسئله در افق پیش‌رو پایه مهمی برای برپایی ایده‌های تمدن‌سازی نوین اسلامی به‌شمار می‌رود.

علم و فناوری

هر تمدنی از یک نظام علمی قدرتمند، پویا و زاینده برخوردار است و علت اصلی زایایی و شکوفایی آن تمدن، نظام علمی قدرتمندی بود که براساس فعالیت‌های پیشروانه دانشمندان برجسته ایجاد شده است. مؤلفه علم و دانش از مقوله‌های قدرت‌آفرین، قدرت‌ساز و مقوم کشورها در تمامی حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، نظامی و امنیتی به‌شمار می‌رود که دارا بودن بنیه‌های علمی برای کشوری که داعیه‌ی تمدنی دارند از مقدمات به‌شمار می‌رود. ایران یکی از کشورهای پیشرفته در حوزه علم و فناوری به‌شمار می‌رود و به رغم مشکلات اقتصادی، مسائل مالی، فشارها و تحریم‌های بین‌المللی سالیانه اختراعات درخور توجهی در جهان به نام این کشور به ثبت می‌رسد. به‌طوری‌که ایران به‌صورت میانگین تا سال ۲۰۱۰ تنها سهم ۱,۲ درصد از تولید علم دنیا را به خود اختصاص داده بود. منتها بر طبق نمودار ذیل در سال ۲۰۱۶، ۲,۱ درصد از تولید علم دنیا را در اختیار دارد و در این مدت در رتبه‌بندی بین‌المللی از لحاظ تولید علم از رتبه‌ی ۴۸ جهان به ۱۶ رسید. نمودار ذیل سهم ایران از تولید علم دنیا را نشان می‌دهد.

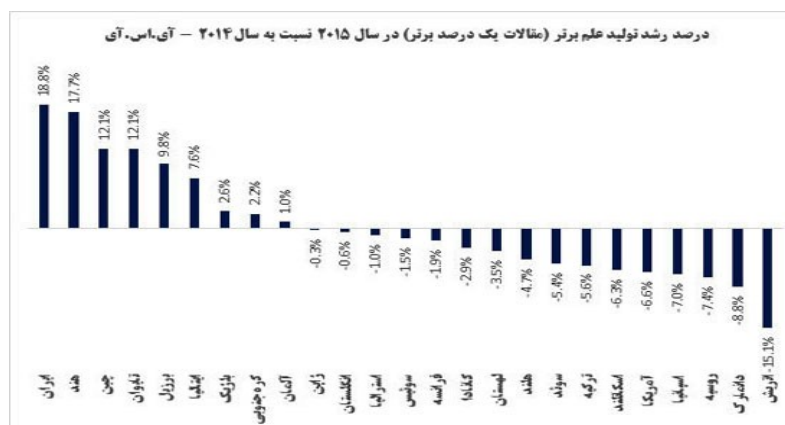


نمودار ۲: سهم ایران از کل کمیت تولید علم دنیا

(<http://WWW.Taksabt.Ir,1393>)

این مسئله زمانی بیشتر قابل توجه است که چنین سطحی از تولید علم تحت فشارهای شدید تحریمی و مسائل و مشکلات داخلی حاصل شده است. به عنوان نمونه در سال ۱۳۹۴ تنها ۰/۴۳ درصد از بودجه سالیانه کشور به بخش پژوهش اختصاص داده شده است. با این وجود اکنون ایران در حوزه نانو فناوری با تولید سالیانه ۶۱۶۰ مقاله در رتبه ۷ جهان قرار دارد و از این لحاظ از بسیاری از کشوری سطح اول دنیا همانند فرانسه، انگلیس و روسیه که بودجه زیادی به حوزه پژوهش اختصاص می‌دهند، پیش افتاده است. آمریکا نیز با بودجه سرشار بخش پژوهش با تعداد ۲۱۸۵۰ مقاله در بخش نانو در جایگاه ۲ جهان قرار گرفته است.

آمریکا به عنوان سرمدار تمدن غربی اکنون ۲۹/۷ میلیارد دلار، یعنی ۳ درصد از بودجه ملی خود را به بخش علمی و پژوهشی اختصاص داده است، منتها علی‌رغم بودجه نجومی آمریکا در بخش علمی و میزان اندک بودجه ایران در بخش علمی بر طبق نمودار ذیل، آمریکا با افت منفی ۶/۶ درصدی در سال ۲۰۱۵ رشد منفی را تجربه نموده است. در حالی که ایران با رشد ۱۸/۸ درصدی، نقش مهمی در تولید علم دنیا را به خود اختصاص داده است.



نمودار ۳: درصد رشد تولید علم برتر در سال ۲۰۱۵ نسبت به ۲۰۱۴

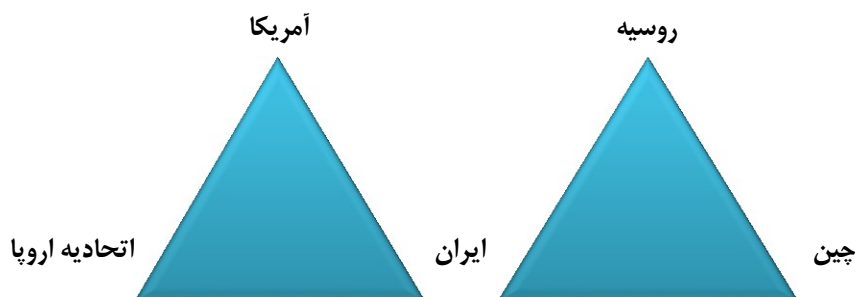
(<http://WWW.Taksabt.Ir,1394>)

مؤلفه‌های سخت

مؤلفه‌های سخت عبارتند از مؤلفه‌هایی همانند موقعیت جغرافیایی، بعد نظامی - تسلیحاتی، ساختار سیاسی و ... که در اختیار داشتن یا فقدان آنها تأثیر بسزایی در قدرت چانه‌زنی کشورها بر جای خواهد گذاشت.

عوامل جغرافیایی و موقعیت ژئوپلیتیکی

موقعیت مناسب ژئوپلیتیکی از دیرباز از زمره عوامل تأثیرگذار در جایگاه و قدرت چانه‌زنی کشورها در جهان بوده است. ایران به علت موقعیت جغرافیایی منحصر به فرد، از دیرباز محل ارتباط شرق و غرب بوده و به همین دلیل به «دروازه آسیا» یا «چهارراه جهان» مشهور است. ایران دارای سه امتیاز ویژه در جهان است؛ اولاً این کشور متصل به موقعیت بری اورا آسیاست؛ ثانیاً به سبب دارا بودن سواحل طولانی در خلیج فارس و دریای عمان از موقعیت بحری برخوردار است؛ ثالثاً به لحاظ در اختیار داشتن تنگه هرمز که در حدود یک سوم تجارت جهانی از اینجا صورت می‌گیرد، دارای موقعیت ویژه‌ای است. براساس نظریه مکیندر، شمال ایران بخشی از ناحیه محوری و مهم هارتلند و دیگر قسمت‌ها جز هلال داخلی (حاشیه‌ای) است (زین‌العابدین، ۱۳۸۹: ۵۲). در اختیار داشتن تنگه استراتژیک هرمز و برخوردای از موقعیت گذرگاهی، ایران را مسلط به بهترین گلوگاه اقتصادی و انرژی جهان گردانیده است (گل‌وردی، ۱۳۸۹: ۱۲). بسیاری از اندیشه‌ورزان حوزه مسائل ژئوپلیتیک بر این اعتقادند که ایران چهارراه جهان است. نمودار ذیل مؤید این مهم است که ایران در گستره کره خاکی متصل‌کننده شرق به غرب و جنوب به شمال است.



شکل ۱: ایران و اتصال شرق به غرب و جنوب به شمال
(فتحی و نظریان، ۱۳۹۵: ۱۷۸)

در این راستا ژئوپلیتیک جهان اسلام و ژئوپلیتیک تشیع از زمره مسائل مهم می‌باشند که بخشی از عمق ژئوپلیتیکی ایران به‌شمار می‌روند که نبایستی از کنار آنها گذشت. شیعیان خلیج فارس به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های قدرت ایران در منطقه بسیار حساس از نظر جغرافیای سیاسی قرار دارند. تقریباً در حدود ۷۵ درصد جمعیت خلیج فارس، یعنی منطقه‌ای که سه چهارم مرغوب‌ترین ذخایر نفتی دنیا در آن قرار دارد را شیعیان تشکیل می‌دهند. کشور عراق، جامعه‌ای با حدود ۶۵ درصد جمعیت شیعه، دارای ذخایر بزرگ نفتی در حدود ۹ درصد ذخایر اثبات شده نفتی جهان را دارا می‌باشد (متقی، ۱۳۹۲: ۴۳). در کشور عربستان نیز شیعیان در استان‌های شرقی الاحساء، قطیف، قنوا در مرکز ذخایر نفتی این کشور قرار دارند. در کشورهای

کوچک حوزه خلیج فارس نیز شیعیان تقریباً بر مناطق نفتی و گازی تسلط دارند. کشور آذربایجان نیز با حدود ۷۵ درصد جمعیت شیعه، دارای منابع قابل توجه گازی و نفتی است. ذخایر اثبات شده نفت و گاز این کشور در سال ۲۰۱۲، به ترتیب ۷ میلیارد بشکه و ۹ تریلیون متر مکعب بوده است (BP, 2013: 20).

آمریکا نیز موقعیت ژئوپلیتیکی مناسبی دارد. کشور آمریکا از شرق با اقیانوس اطلس، در غرب با اقیانوس آرام، از شمال با کشور کانادا و از جنوب با مکزیک همسایه است. از نظر کل وسعت آب و خاک، آمریکا بعد از روسیه و کانادا، سومین کشور پهناور جهان است. به طور تقریبی، کشور آمریکا، شش برابر بزرگتر از ایران است. کشور آمریکا در مجموع ۹,۸۲۶,۶۳۰ کیلومتر مربع وسعت دارد که البته ۴۷۰ هزار کیلومتر آن را جزایر پراکنده و تحت قلمرو آمریکا در اقیانوس آرام و دریای کارائیب تشکیل می‌دهند. موقعیت ژئوپلیتیکی آمریکا از لحاظ دسترسی به دریاهای آزاد و امکانات حمل و نقل دریایی قابل توجه است و همین مسئله در کنار سرزمین پهناور به این کشور قدرت و قابلیت مناسبی داده است.

عوامل اقتصادی و منابع طبیعی

دوران پسا جنگ سرد موجب تحول مفهومی انرژی از ژئوپلیتیکی به ژئواکونومیکی گردید. چنانچه انرژی به تأثیرگذارترین عنصر در روابط بین قدرت‌های بزرگ جهانی تبدیل شد و مناطقی خاص از جهان که دارای انرژی بودند هم به یک پدیده مهم راهبردی بدل شدند. در این دوره، اقتصاد نقشی برجسته‌تر از هر زمان یافته و ژئواکونومی انرژی فصل نوینی را در روابط بین‌المللی گشوده است. جمهوری اسلامی ایران علاوه بر موقعیت ژئوپلیتیکی مناسب در محل تلاقی محور عمومی شمال - جنوب منابع انرژی و محور شرق و غرب مصرف انرژی بوده و همچنین مانند پلی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز را که محصور در خشکی هستند را به خلیج فارس مرتبط می‌سازد. ایران از نظر منابع نفتی با دارا بودن ۱۵۷ میلیارد بشکه نفت، ۹/۴ درصد از کل ذخایر نفتی جهان را به خود اختصاص داده است. جدا از این منابع ایران به‌عنوان اولین دارنده ذخایر گاز طبیعی جهان (معادل ۳۳/۶ درصد از کل ذخایر گاز طبیعی جهان) به‌شمار می‌رود (BP, 2013: 6-20).

همچنین منابع متعدد و گسترده معدنی دیگری چون ذغال سنگ، اروانیوم، سنگ، مس، آلومینیوم، گوگرد، اورانیوم، طلا، منگنز، سرب، روی و... ایران را به‌عنوان کشور غنی در جهان مشخص می‌کند (پیشگامی فرد، ۱۳۹۰: ۲۰۲-۲۰۱). تولید ناخالص داخلی ایران ۷۵۲۹۶۷ میلیارد دلار در سال می‌باشد و میزان رشد تولید ناخالص داخلی این کشور ۴,۳٪ (۲۰۱۶)، ۴,۴٪ (۲۰۱۵)، ۴,۴٪ (۲۰۱۴) بوده است و از لحاظ درآمد سرانه ملی با ۴۵۲۰ دلار جایگاه ۹۳ جهان را به خود اختصاص داده است. از لحاظ برابری قدرت خرید نیز در جایگاه ۵۷ جهان قرار دارد. در حال حاضر درآمد سرانه آمریکا در جهان ۱۳۸۴۳۸۲۵ تریلیارد دلار در سال می‌باشد که ۴۷ درصد اقتصاد جهان را به خود اختصاص داده است و به همین لحاظ در رتبه اول قرار دارد، میزان درآمد سرانه مردم این کشور با ۵۷۲۹۴ دلار در سال در جایگاه ۸ دنیا قرار دارد (Worldbank, 2017). بخش اعظم درآمد سرانه بالای آمریکا نتیجه فعالیت‌های

نامشروعی هست که انجام می‌دهد. به‌عنوان نمونه این کشور ثروت جهان را از طرق مختلف ذیل در سرزمین خود انباشت می‌کند:

- ثروت بومی خویش را از طریق ذخیره‌های بقیه‌ی جهان به‌دست آورده است؛
 - کنترل دمکراتیک دوسوم جمعیت جهان را بر سرنوشت اقتصادی‌شان انکار می‌کند؛
 - آزادسازی تجاری را یک‌سویه و آن‌هم در جهت دسترسی آزاد شرکت‌های تجاری و چندملیتی ایالات متحده تفسیر می‌کند؛
 - نوعی از آزادی اقتصادی را به‌پیش می‌برد که در عمل، آزادی اقتصادی افراد فقیر را از بین می‌برد؛
 - به‌صورت سیستماتیک تلاش‌های کشورهای کمتر توسعه‌یافته را برای مبارزه با فقر و تغذیه‌ی مردم خویش از بین می‌برد؛
 - از کشورهای کمتر توسعه‌یافته کلاهبرداری می‌کند و موجب افزایش فقر آنها می‌شود؛
 - به‌طور مستمر، برای کاهش قیمت کالاهای کشورهای در حال توسعه تلاش کرده است؛
 - اگر تمام این استراتژی‌ها کافی نباشد، به اقدامات اقتصادی یک‌جانبه‌ای متوسل می‌شود که با عنوان تحریم شناخته می‌شوند (سردار و وین دبویس، ۱۳۸۷).
- به‌نظر می‌رسد که هژمونی اقتصادی آمریکا نیز در حال افول است. بارزترین نمونه از این‌دست، جنبش اشغال‌وال استریت می‌باشد. وضعیت وخیم آمریکا به‌گونه‌ای است که در شهرهای بزرگ این کشور، رقم بی‌خانمان‌ها به‌حدی است که شبیه مناطق بحران‌زده‌اند (Jahanbin, 2016: P.402).

عوامل نظامی

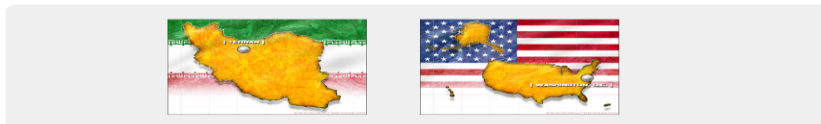
پتانسیل‌های نظامی از گذشته‌های دور اهمیت بسزایی در تمدن‌سازی داشته است و هر چند در عصر حاضر این مقوله اهمیت خود را به مقدار قابل توجهی از دست داده است، منتها کماکان در سنجش میزان توان کشورها جهت نیل به اهداف تمدنی، نقش‌آفرین است. ایران با دارا بودن جمعیت مناسب، ویژگی‌های جغرافیایی و موقعیت راهبردی مثال زدنی، دسترسی به دریا و شکل مناسب سرزمین از توان و قابلیت نظامی مهمی برخوردار است و این مهم مسئله‌ای است که از یک طرف به وضوح ملاحظه می‌گردد و از طرف دیگر مورد اذعان اندیشه‌ورزان مسائل ژئوپلیتیک قرار گرفته است. در رتبه‌بندی ارتش‌های کشورهای مختلف عواملی همچون میزان هزینه‌های صرف‌شده جهت تجهیز قوای نظامی، تعداد تجهیزات و ادوات در اختیار یگان، معیشت، تولید ناخالص داخلی، تعداد نظامیان، تعداد کشتی‌های جنگی و زیردریایی‌ها، تعداد هواپیماها و هلی‌کوپترها، تعداد تانک‌ها و نفربرها و شرایط جغرافیایی حاکم بر کشور مورد نظر و مواردی از این دست نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند و مؤسسه «گلوبال فایرپاور» نیز بر همین اساس کشورهای مختلف دنیا را در بعد نظامی رتبه‌بندی می‌کند. نمودار ذیل مقایسه تطبیقی قابلیت‌های نظامی ایران و ایالات متحده آمریکا را نشان می‌دهد.

Authored By **Staff Writer** | Last Updated: 1/21/2016

Military power comparison results for Iran vs. United States of America.

 **G-1** (3)

Your selected countries (Iran and United States of America) are displayed below. Compare [two other countries](#).



RESULTS		
Country:	Iran	United States of America
GFP Rank:	21 (of 126)	1 (of 126)
Total Population:	81,824,270	321,368,864
Manpower Available:	47,000,000	145,215,000
Fit-for-Service:	39,570,000	120,025,000
Reaching Military Age Annually:	1,400,000	4,220,000
Active Military Personnel:	545,000	1,400,000
Active Military Reserves:	1,800,000	1,100,000
Aircraft (All Types):	479	13,444
Helicopters:	128	6,084
Attack Helicopters:	12	957
Attack Aircraft (Fixed-Wing):	137	2,785
Fighter Aircraft:	137	2,308
Trainer Aircraft:	80	2,771
Transport Aircraft:	203	5,739
Serviceable Airports:	319	13,513
Tank Strength:	1,058	8,848
AFV Strength:	1,315	41,062
SPG Strength:	320	1,934
Towed Artillery:	2,078	1,299
MLRS Strength:	1,474	1,331
Merchant Marine Strength:	76	393
Major Ports / Terminals:	3	24
Fleet Strength:	398	415
Aircraft Carriers:	0	19
Submarines:	33	75
Frigates:	6	6
Destroyers:	0	62
Corvettes:	3	0
Mine Warfare Craft:	5	11
Patrol Craft:	254	13
External Debt (USD):	\$6,922,000,000	\$17,260,000,000,000
Annual Defense Budget (USD):	\$6,300,000,000	\$581,000,000,000
Reserves Foreign Exchange / Gold (USD):	\$93,950,000,000	\$130,100,000,000
Purchasing Power Parity:	\$1,357,000,000,000	\$17,350,000,000,000
Labor Force:	28,400,000	155,900,000
Oil Production (Barrels/Day):	3,236,000 bbl	8,653,000 bbl
Oil Consumption (Barrels/Day):	1,870,000 bbl	19,000,000 bbl
Proven Oil Reserves (Barrels/Day):	157,800,000,000 bbl	36,520,000,000 bbl
Roadway Coverage (km):	172,927 km	6,586,610 km
Railway Coverage (km):	8,442 km	224,792 km
Waterway Coverage (km):	850 km	41,009 km
Coastline Coverage (km):	2,440 km	19,924 km
Shared Borders (km):	5,894 km	12,048 km
Square Land Area (km):	1,648,195 km	9,826,675 km

Sources: CIA.gov, CIA World Factbook, wikipedia.com, public domain print and media sources and user contributions. Some values may be estimated when official sources are lacking.

©2006-2017 www.GlobalFirepower.com. All Rights Reserved. No Reproduction Permitted. Material presented throughout this website is for entertainment value and is only as accurate as the sources allow.

شکل ۲: مقایسه تطبیقی قابلیت‌های نظامی ایران و ایالات متحده آمریکا

از این رو ایران یکی از قدرتمندترین نیروهای نظامی در منطقه خاورمیانه را در اختیار دارد و چنین پیشرفتی در شرایط فشار، تهدید و تحریم به‌دست آمده است. شایان ذکر است که جایگاه نظامی ایران در تمام مؤسسه‌های معتبر نظامی، تنها بر اساس توان نظامی ارتش ایران است و توان رزمی سپاه پاسداران و بسیج هیچ‌گاه در آمارهای این مؤسسات به حساب نیامده است. چنانچه توان رزمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به‌ویژه در زمینه موشکی به حساب آید، جزء هشت کشور برتر نظامی دنیا خواهد بود.

نکته دیگر اینکه بودجه نظامی کشورها تأثیر مستقیمی بر روی میزان پیشرفت‌های نظامی دارد. در این رابطه آمریکا با اختصاص سالیانه ۵۹۶ میلیارد دلار در جایگاه اول دنیا قرار گرفته است و پیش‌بینی‌ها حاکی از رشد این میزان تا ۶۰۰ میلیون دلار در سال‌های آتی را دارد و به تنهایی ۳۶ درصد از بودجه نظامی دنیا را در اختیار دارد. جدول ذیل ۱۵ کشور برتر دنیا از لحاظ بودجه نظامی را نشان می‌دهد که ایران با صرف سالیانه ۳۰ میلیارد دلار در این میان جایگاهی ندارد.

جدول ۱: ۱۵ کشور برتر دنیا از لحاظ بودجه نظامی

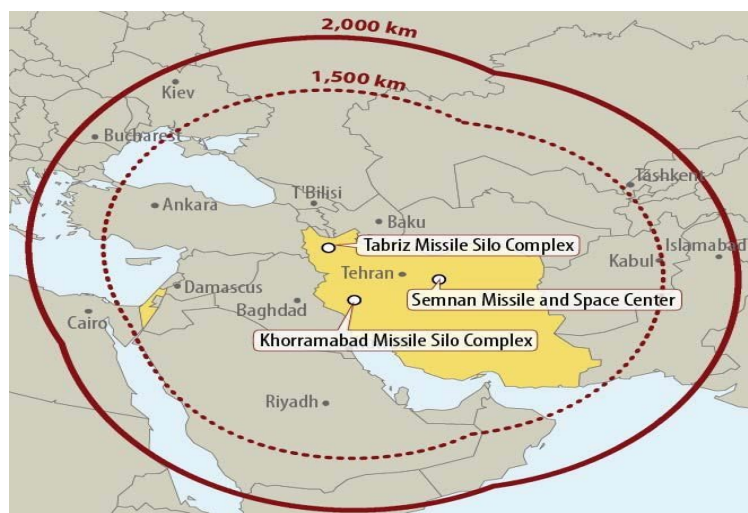
Rank		Country	Spending, 2015 (\$ b.)	Change, 2006-15 (%)	World share 2015 (%)	Spending as a share of GDP (%) ^b	
2015	2014 ^a					2015	2006
1	1	USA	596	-3.9	36	3.3	3.8
2	2	China	[215]	132	[13]	[1.9]	[2.0]
3	4	Saudi Arabia	87.2	97	5.2	13.7	7.8
4	3	Russia	66.4	91	4.0	5.4	3.5
5	6	UK	55.5	-7.2	3.3	2.0	2.2
6	7	India	51.3	43	3.1	2.3	2.5
7	5	France	50.9	-5.9	3.0	2.1	2.3
8	9	Japan	40.9	-0.5	2.4	1.0	1.0
9	8	Germany	39.4	2.8	2.4	1.2	1.3
10	10	South Korea	36.4	37	2.2	2.6	2.5
11	11	Brazil	24.6	38	1.5	1.4	1.5
12	12	Italy	23.8	-30	1.4	1.3	1.7
13	13	Australia	23.6	32	1.4	1.9	1.8
14	14	UAE ^c	[22.8]	136	[1.4]	[5.7]	[3.2]
15	15	Israel	16.1	2.6	1.0	5.4	7.5
Total top 15			1 350		81		
World total			1 676	19	100	2.3	2.3

[] = SIPRI estimate; GDP = gross domestic product; UAE = United Arab Emirates.

(Sources: [Http://WWW.Dawn.Com/News/](http://WWW.Dawn.Com/News/), 2017)

قرائن مؤید این مهم است که تحولات پس از ۱۱ سپتامبر، هژمونی نظامی آمریکا را با چالش جدی مواجه ساخته و این کشور در حل بسیاری از چالش‌های امنیتی خود دچار مشکل شده است. والراشتاین در کتاب «افول قدرت آمریکا، آمریکا در جهانی پراشوب» از اقدامات ۱۱ سپتامبر و سپس حملات آمریکا به

عراق و افغانستان به عنوان عاملی برای سقوط این کشور یاد می‌کند (Wallerstein, 2003). این در حالی است که هم اکنون ایران جزء ده کشور برتر قدرت موشکی دنیا به شمار می‌رود که برد موشک‌های این کشور به ۲۰۰۰ کیلومتر رسیده و شعاع گسترده‌ای از فضای جغرافیایی دنیا را پوشش می‌دهد. آنتونی کوردزمن^۱ متخصص مسائل نظامی بر این اعتقاد است: «اکنون قدرت موشکی ایران به حدی رسیده است که هر هدفی را در منطقه خاورمیانه، اروپا و حتی ایالات متحده آمریکا را مورد اصابت قرار می‌دهد» (Cordesman, 2014: 2). این مهم در شکل ذیل قابل مشاهده است.



شکل ۳: برد موشک‌های ایران

Source: Steven A. Hildreth, *Iran's Ballistic Missile And Space Launch Programs*, Congressional Research Service R42849, December 6, 2012.

ساختار سیاسی

نوع ساختار سیاسی و نظام حکومتی کشورها، تفکیک مطلق یا نسبی قوا علاوه بر حوزه مدیریت داخلی در بلندمدت از طریق الگوپردازی برای محیط خارج تأثیر بسزایی دارد. برخی کشورها همانند ایران با تفکیک قوای صورت پذیرفته که تحت نظارت رهبری ایفای نقش می‌کنند و اکنون با نظامی مردم سالاری دینی مشهور گشته، هم اکنون الگوی قابل توجهی از یک نظام معنویت‌گرا را به نمایش گذاشته است. شکل حکومت در نظام جمهوری اسلامی به صورت سه قوه‌ای (مقننه، مجریه و قضائیه) و مستقل از یکدیگر و تحت نظارت رهبری (ولی‌فقیه) است و از این رو الگوی تفکیک قوا در آن با الگوی تفکیک قوا در نظام‌های عرفی تفاوت جوهری دارد (منصورنژاد، ۱۳۸۷: ۵۶). حکومت در این کشور نیمه‌ریاستی و نیمه

1. Anthony H. Cordesman

پارلمانی است. به این دلیل نیمه ریاستی است که رئیس‌جمهوری را مردم انتخاب می‌کنند و از این لحاظ که اعضای دولت، رئیس‌جمهوری به مجلس پیشنهاد و مجلس آنان را تأیید می‌کند، پارلمانی است. اسلامیت حکومت به این معناست که قوانین جاری در آن، از هر حیث، بر پایه موازین اسلامی است و مشروعیت قانون اساسی مشروط به انطباق آن با شرع است. مفهوم ولایت فقیه در قانون اساسی به شکلی نهادینه پیش‌بینی شده است. فقیه باید دارای این صفات باشد: صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب گوناگون فقهی، عدالت و تقوا، بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری (هاشمی، ۱۳۷۴: ج ۲، ۴۵). دومین رکن جمهوری اسلامی، قوه مقننه است. این قوه مبتنی بر نظام یک مجلسی و مرکب از دو رکن کاملاً متمایز است: مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان. هریک از این ارکان وظایفی دارند. سومین رکن جمهوری اسلامی قوه مجریه است. این قوه در ایران، از حیث جایگاه مردمی، نیمه ریاستی و نیمه پارلمانی است و از حیث ترکیب عناصر حاکم در اعمال قوه مجریه، دو رکنی (رهبری و ریاست جمهوری) است و کلیه سازمان‌ها و امور اجرایی از این ارکان ناشی می‌شوند. رئیس‌جمهوری عالی‌ترین مقام رسمی کشور، بعد از مقام رهبری است؛ چهارمین رکن جمهوری اسلامی قوه قضائیه است (قانون اساسی ج.۱. ایران، اصل ۱۵۷).

از سوی دیگر نظام سیاسی آمریکا جمهوری فدرال است و در این کشور سیستم تفکیک قوا به شکل کاملاً بارزی به مرحله اجرا در آمده است. قوه مقننه و یا کنگره آمریکا از دو مجلس تشکیل شده است - مجلس نمایندگان و مجلس سنا - که مسئولیت قانونگذاری را به‌طور کامل بر عهده دارد. در انتخاب نمایندگان آن هیچ نهادی غیر از رأی مستقیم مردم نقش ندارد و نمی‌توان آن را منحل کرد. رئیس جمهور آمریکا نیز به‌عنوان رئیس قوه مجریه با رأی مستقیم مردم و از طریق آرای مجمع انتخاباتی انتخاب می‌شود و در برگزیدن مشاورانش به‌عنوان وزرا اختیارات کاملی دارد. در حقیقت رئیس جمهور نیازی به کسب رأی اعتماد از کنگره ندارد و کنگره نیز متقابلاً نمی‌تواند با رأی عدم اعتماد، هیأت دولت و یا وزرا را برکنار کند. قوه قضائیه که در دیوان عالی فدرال ایالات متحده آمریکا تبلور یافته است، کاملاً مستقل عمل می‌کند و نه قوه مجریه و نه قوه مقننه نمی‌توانند بر روند تصمیم‌گیری‌های آن تأثیر بگذارند. به عبارت دیگر، رئیس جمهور و یا کنگره نمی‌توانند مصوبات قانونی دیوان عالی فدرال را باطل اعلام نمایند و یا از اجرای آنها سر باز زنند (ابوالفتح، ۱۳۸۱: ۱۵-۱۷). نکته اول اینکه مظاهر دموکراسی واقعی و ترتیب اثر دادن آراء مردم را می‌توان در نظام سیاسی ایران به‌عنوان سیستم مردم سالاری ایران ملاحظه نمود. در صورتی که دموکراسی ظاهری آمریکا در باطن خود جایگاهی برای رأی مردم قائل نیست. ضیاءالدین سردار و وین دیوس بر این اعتقادند که: «هر چند دموکراسی آمریکایی استثنائاً غیردموکراتیک است! آنچه انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۰ ثابت کرد عدم اعتماد به دموکراسی پدران بنیان‌گذار آمریکا بود. سیستم اکثرال آمریکا عمده‌اً دیکته می‌کند که کاندیدایی که بیشترین آراء را در سراسر آمریکا کسب می‌کند لزوماً رئیس جمهور نخواهد شد، مانند انتخابات سال ۲۰۰۰، رأی دهندگان فردی قرار نیست

به‌طور مستقیم رئیس‌جمهور را انتخاب کنند بلکه می‌توانند الکترال کالج را انتخاب کنند که اعضای آن بر مبنای ایالت به ایالت تعیین می‌شود» (سردار و وین دیویس، ۱۳۸۷).

مبنای نظام حکومتی و ساختار سیاسی ایران در شریعت و دین مبین اسلام ریشه دارد و بالطبع هدف حکومت‌داری نیز در جهت اهداف الهی و تأمین نیاز مردم قرار دارد و همان‌گونه که اشاره شد با توجه به جایگاه مهم دین و ایدئولوژی و همچنین فرهنگ و معنویت در نظام بین‌الملل آینده، نظام‌هایی مانند ایران با توجه به ابعاد دوگانه دنیوی- معنوی پتانسیل قابل توجهی برای الگوپردازی دارند. در سوی دیگر تأمل در ساختار سیاسی آمریکا مؤید این است که مبنای نظام حکومتی این کشور در ایدئولوژی‌های مادی‌گرا قرار داشته و از مشکلات ناشی از نظام سرمایه‌داری نیز مصون نیستند و با بروز هر گونه مشکل، مشکلات زیادی در ساختار سیاسی به وقوع می‌پیوندند و فرآیند تصمیم‌گیری با اختلال مواجه می‌گردد.

سیاست خارجی

از دیگر مؤلفه‌های نافذ تمدن‌سازی که قدرت بالقوه‌ای به ایران جهت پیاده‌سازی الگوهای مطمحنظر خود بخشیده، می‌توان به سیاست خارجی این کشور و قیاس آن با آمریکا اشاره داشت. با توجه به ماهیت و هویت نظام ایران، اصول سیاست خارجی آن از دین مبین اسلام و ایدئولوژی اسلامی نشأت می‌گیرد. بر اساس اسناد رسمی، به‌ویژه قانون اساسی، بیانات امام خمینی(ره) و عملکرد رفتاری ایران، اصول سیاست خارجی ایران عبارتند از: نفی سلطه‌طلبی و سلطه‌پذیری، عزت، استکبارستیزی، ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی، حمایت از محرومان و مستضعفان، حمایت و دفاع از حقوق مسلمانان، همزیستی مسالمت‌آمیز و صلح‌طلبی، عدم مداخله در امور داخلی کشورها و احترام متقابل، تعهد به قراردادهای، معاهدات و قوانین بین‌المللی (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۱۳۰). جولیا اوراندا یکی از سناتورهای وقت ایتالیایی بر این اعتقاد است که: «ایران می‌خواهد مدلی بسازد که برای همه کشورهای عربی و اسلامی قابل تقلید باشد. این مدل که بسیار حساس و مهم است، برای اولین بار در جهان صورت می‌گیرد. مدل اصیل اسلامی مورد نظر همین جمهوری اسلامی است که در طول تاریخ و در حال ماندنی نداشته و ندارد» (خرم شاد و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۲). انقلاب اسلامی از یک سو دارای اهدافی است که از مطالبات و نیازهای داخلی جامع ایران سرچشمه می‌گیرد و از سوی دیگر هدف‌های فراملی همانند اتحاد سیاسی جهان اسلام و تشکیل حکومت جهانی اسلام دارد که از ارزش‌ها و آرمان‌های اسلامی برخاسته است. کشوری با چنین خصائص مثال زدنی از یک سوء توجه کشورها و ملت‌های زیادی را به خود جلب می‌کند و از سوی دیگر قابلیت بارزی جهت جامه عمل پوشاندن به ایده تمدن نوین اسلامی می‌بخشد.

از سوی دیگر سیاست خارجی کشور آمریکا که بر پایه «بین‌المللی‌گرایی مداخله جویانه» در دنیای خارج بنا نهاده شده است. سلسله مراتب نژادی^۱ در آمریکا مسئله مهمی است. آمریکایی‌ها، همان‌طور که همه رهبران و بنیانگذاران آن اذعان داشته‌اند، نژاد آنگلو امریکن را تنها نژادی دانسته که توان کسب

آزادی را دارد. فقط با تقلید از مدل آمریکاست که می‌توان دموکراسی ایجاد کرد و دموکراسی غیر از مدل آمریکایی وجود ندارد و اگر وجود دارد، دموکراسی نیست. این نگرش‌ها و عملکردها در سیاست خارجی به سنت تبدیل شده است و اکنون نیز سیاست خارجی بر پایه عظمت ملی با دستیاری دو عنصر مداخله در امور کشورهای دیگر و سلسله مراتب نژادی اداره می‌شود و به عنوان هدف بلندمدت عمل می‌کنند. این تفکر موجب شکل‌گیری استعمار، سلطه و امپریالیسم در سیاست خارجی می‌شود؛ ضیاءالدین سردار و وین دیویس در کتاب مشهور خود به نام «چرا مردم از آمریکا متنفر هستند»^۱، بر این اعتقادند که: «رفتار ایالات متحده در برابر دیگر ملت‌ها مانند یک نوجوان گردن کلفت است که بیش از حد رشد کرده و دائماً در برابر پذیرش این محدودیت‌ها ابراز خشم و انزجار می‌کند و درک نمی‌کند که رفتارش ممکن است چه عواقبی برای زندگی دیگران داشته باشد. اگر سیاست‌های اقتصادی یک کشور را قبول نداشته باشد با استفاده از WTO و IMF آن را خرد می‌کند. اگر این کارش نتیجه نداد، دست به اعمال تحریم می‌زند یا به راحتی اقداماتی را به منظور براندازی رهبران‌شان انجام می‌دهد» (سردار و وین دیویس، ۱۳۸۷).

نتیجه‌گیری

تلاش برای تمدن‌سازی و فراهم ساختن بسترها و پیش‌زمینه‌های لازم برای چنین امر مهمی و همچنین کنکاش در شواهد قرائن و علل افول تمدن‌ها، از حوزه‌های حائز اهمیت پژوهشی و اندیشه‌ورزی است که ملحوظ نظر قرار گرفته است. همواره میان تمدن‌های مستقر و کشورهایی که حامل ایده‌های تمدنی بوده‌اند، نوعی منازعه برقرار بوده است پرسش مهمی که مطرح شد، این بود که چه مؤلفه‌هایی بر رقابت تمدنی میان آمریکا به عنوان مهد و راهبر تمدن غرب و ایران به عنوان داعیه‌دار تمدن نوین اسلامی مؤثر است و این تأثیر چگونه می‌باشد؟ برای دستیابی به پاسخ منطقی به این پرسش، نه مؤلفه اصلی تمدن‌ساز یا برافکننده تمدن‌ها، یعنی «ایدئولوژی»، عوامل «جغرافیایی»، «انسانی و اجتماعی»، «حوزه فرهنگی»، مؤلفه‌های «سیاسی»، «اقتصادی»، «نظامی»، «سیاست خارجی» و «علم و فناوری» برشمرده شد.

اکنون پس از بررسی مقایسه‌ای مؤلفه‌های نه‌گانه، که وضعیت دو کشور ایران (به عنوان داعیه‌دار برپایی تمدن نوین اسلامی) و آمریکا (به عنوان محوریت تمدن مستقر غربی) را مبرهن ساخت، با ابتدا به مؤلفه‌های تعیین‌کننده دنیای آینده، نوبت به اولویت‌بندی و تعیین مؤلفه‌های مهم است. در واقع، می‌توان این پرسش را مطرح کرد که با ابتدا به مؤلفه‌های نام‌برده و تشریح وضعیت هریک از دو کشور، مؤلفه‌های کلیدی تعیین‌کننده رقابت تمدنی میان ایران و آمریکا در آینده کدام‌اند؟ مؤلفه‌های نام‌برده، به دو دسته نرم و سخت تقسیم شد. در گذشته، هرچند در حوزه تمدن‌سازی براساس نظریات کلاسیک و داده‌های تاریخی، قدرت سخت و قابلیت‌های نظامی در قلمروگشایی و تمدن‌سازی نقش بسزایی داشتند، منتها در پرتو جهانی‌شدن اطلاعات و ارتباطات و کاهش مشروعیت حربه‌های سخت‌افزاری، در آینده شاخص

قدرت رهبری کشورها، دیگر قدرت نظامی و سخت نیست و نیروی قهری، برای ارائه‌ی الگوهای جهانی و جذب افکار عمومی، صدور ارزش‌ها و پیاده‌سازی خطمشی‌ها، فرصتی برای ظهور و بروز ندارد. از صدها سال پیش، نویسندگان و نیز رؤسای کشورها یا دولت‌ها حق توسل به جنگ را نه تنها اقدامی قانونی برای هر دولت مستقل تلقی می‌کردند، بلکه همچنین آن را یکی از ویژگی‌های چنین واحدی می‌دانستند. حقوق بین‌الملل، جنگ را منع نمی‌کرد؛ به جای آن، این نهاد را کارکرد معمولی دولت‌های مستقل تلقی می‌کرد. ضرورت نداشت که این حقوق مورد ادعا، ماهیتی حقوقی و یا اخلاقی داشته باشند. کافی به نظر می‌رسید که دولتی مستقل، حقوق خود را مطالبه کند. چنین دولتی پس از شکست در به اجرا گذاشتن آنها با وسایل صلح آمیز، مختار بود اهدافش را با توسل به زور پیگیری نماید (گرهارد فن گلان، ۱۳۷۹: ۶۶۳-۶۶۲).

از سال ۲۰۰۰ تاکنون بحث توسل به زور از سوی کشورهای متعدد با محدودیت مواجه شده است. عدم همکاری روسیه، فرانسه و آلمان با حمله آمریکا به عراق و اقدام نامشروع آمریکا در حمله یک‌جانبه به افغانستان مصداق بارز تجاوز در حقوق بین‌الملل بوده است. این موضوع حتی افکار عمومی جهان و به‌ویژه افکار عمومی داخل آمریکا را نسبت به استفاده نامشروع از زور به واکنش واداشت.

ضعف دستگاه دیپلماسی و امنیتی ایالات متحده در عدم شناخت کافی از اوضاع منطقه خاورمیانه و به‌ویژه ملت عراق اگر چه در ابتدا با پیروزی‌هایی در مقابل رژیم بعث صدام همراه بوده اما این کشور را در گرداب تعارضات فرهنگی و قومی این کشور گرفتار کرده است. ایالات متحده بیش از ۸ سالی است که وارد افغانستان شده ولی به دلیل عدم پذیرش فرهنگ غیریومی و غیراسلامی از سوی جامعه و ملت افغانستان، جغرافیای سخت این کشور و ناسیونالیسم پشتون استفاده از زور، هیچ موفقیتی را برای ارتش آمریکا و نیروهای ائتلاف ایجاد نکرده است.

با در نظر گرفتن چنین فاکتورهایی و سرآغاز بحران‌های سرمایه‌داری غرب و همچنین ظهور قدرت‌های جهانی جدید و همچنین تأکید بر بکارگیری قدرت نرم در معادلات جهانی کفه ترازو به سمت تضعیف سناریوی استفاده از زور در سیاست بین‌الملل سنگینی خواهد کرد.

این تحولات، به افزایش اهمیت مسائل انسانی، اعتقادی و فرهنگی و ایدئولوژیک و دینی می‌انجامد. مسئله‌ای که از هم‌اکنون جرقه آن زده شده است. به‌عنوان نمونه، بررسی نگرش بازگشت مجدد دین به عرصه فرهنگ عمومی و ظهور آن به‌عنوان یک قطب تمدنی در جغرافیای انسانی و بلکه سیاسی جدید، وضعیت تاریخی نوینی را برای قرن بیست و یکم رقم می‌زند. این امر فرصت تاریخی نوینی برای حرکت فرهنگی و تمدنی معنویت و بخصوص دین اسلام پدید آورده است. جهان، هم از جنبه روحی و عاطفی برای پر کردن خلاء معنوی و اخلاقی خود به دین روی آورده است و هم از جنبه فکری و معرفتی و با اذعان به نا کارآمدی‌های ایدئولوژی لیبرال دموکراسی، سامان زندگی را در نظریه‌هایی با رویکرد فرهنگی، اخلاقی و معنوی جستجو می‌کند و ظرفیتی نوین برای پیام دین، به‌ویژه دین اسلام، پدید آورده است که در سایه آن هم توده‌های مردم و هم نخبگان جامعه می‌توانند با آموزه‌های دینی آشنا شوند. اسلام، در حکم کامل‌ترین دین، توانایی ساماندهی و مخاطب قرار دادن همه ملل و فرهنگ‌های مورد هجمه جهانی

شدن مصطلح را دارد. در بررسی اسلام، در می‌یابیم که این آئین الهی و آخرین فرستاده خداوند متعال به دلیل برخورداری از یک نظام صحیح اجتماعی، توانایی لازم برای سامان بخشی جوامع را دارد. چرا که دین هم در خلق ارزش‌هایی نقش دارد که رفتار اجتماعی مردم را در سرزمینی مشخص رقم می‌زند و هم در سلسله مراتب ارزش‌های اجتماعی ایفای نقش می‌کند و دین است که ارزش‌های غایی را تعیین می‌کند.

توجه به گزارش روندهای ۲۰۲۵ که در آن بخشی هم به وضعیت مسلمانان در اروپای غربی اختصاص داده می‌تواند مؤید همین مسأله باشد:

در این گزارش، پیش‌بینی از جمعیت مسلمانان در اروپا بین ۱۵ تا ۱۸ میلیون نفر است. بیشترین میزان مسلمانان - بین شش تا هشت درصد - در فرانسه هستند (پنج میلیون نفر) و هلند (حدود یک میلیون نفر)، پس از آن کشورهایی قرار دارند که مسلمانان ۴ تا ۶ درصد جمعیت آنها را به خود اختصاص داده‌اند مانند آلمان (سه و نیم میلیون نفر)، دانمارک (۳۰۰ هزار نفر)، اتریش (۵۰۰ هزار نفر) و سوئیس (۳۵۰ هزار نفر). انگلیس و ایتالیا نیز به ترتیب با یک و هشت دهم و یک میلیون نفر دارای جمعیت زیادی از مسلمانان را در خود جای داده‌اند.

اگر روندهای کنونی مهاجرت و زاد و ولد (بیشتر از میانگین) ادامه یابد، اروپای غربی تا سال ۲۰۲۵، ۲۵ تا ۳۰ میلیون مسلمان خواهد داشت. کشورهایی که با افزایش شمار مسلمانان روبرو هستند، شاهد تغییر سریعی در ترکیب قومی خود خواهند بود. به‌ویژه در حوالی نواحی شهری که به شکل بالقوه‌ای تلاش‌ها برای یکسان‌سازی و انسجام را مشکل می‌سازد.

از این‌رو، در آینده توجه به عوامل فرهنگی و اعتقادی و ظرفیت‌های انسانی و اجتماعی، از اهمیت شایانی برخوردار خواهد بود. ایدئولوژی‌ها، که برای مدت‌های مدیدی، تنها کارکرد دینی داشتند و در محدوده‌ای ویژه محبوس بودند نیز همان‌گونه که قابلیت زیادی در قلمرو سیاست و حکومت‌داری از خود نشان داده‌اند، در آینده نیز تعیین‌کننده خواهند بود. به‌همین ترتیب، در آینده، حوزه‌ی فرهنگ اهمیت شایانی پیدا خواهد کرد و به‌عنوان مسئله‌ای زیربنایی، برای پیشبرد حوزه‌های دیگر عمل خواهد کرد.

موقعیت ژئوپلیتیکی، یکی از مؤلفه‌های مهم در دنیای آینده است که به‌خودی خود عاملی قدرت‌ساز برای کشورهایی مانند ایران به‌شمار می‌روند. با وجود تلاش کشورها برای کاهش وابستگی به انرژی و تقلیل اهمیت این مؤلفه، باید گفت که انرژی نفت و گاز، برای قرون دیگر نیز اهمیت خود را حفظ خواهد کرد و دارندگان این ذخایر، به‌مرور زمان به‌دلیل در اختیار داشتن این مسئله، در قیاس با شرایط فعلی، از قدرت تعیین‌کننده‌ای در معادلات جهانی برخوردار خواهند شد. در جهان آینده، از اهمیت مؤلفه نظامی به‌مراتب کاسته خواهد شد و دیگر قدرت‌هایی مانند آمریکا، که ۳۶ درصد هزینه‌های نظامی دنیا را عهده دارند، تعیین‌کننده نخواهند بود و قدرت نظامی، تنها قسمت کوچکی از سنجش قدرت کشورها می‌باشد که به دیده شک به آن نگریسته می‌شود؛ زیرا کشورهایی مانند آمریکا، به‌دلیل سرمایه‌گذاری هنگفت بر روی حوزه نظامی، از دیگر ابعاد اجتماعی، فرهنگی و انسانی جامعه غفلت کرده‌اند؛ و برعکس، کشورهایی مانند

ایران، که تمدن مبتنی بر معنویت را در دستور کار قرار داده‌اند، قابلیت‌های عظیم اجتماعی و فرهنگی خود را مبنایی برای توسعه قرار می‌دهند.

مؤلفه تمدن‌ساز دیگری که در تحولات آینده اهمیت بسزایی دارد، حوزه دانش و پیشرفت‌های علمی است. این مسئله، برای ایران که براساس آمارهای جهانی به‌طرز قابل توجهی در حال پیشرفت است، مهم به‌نظر می‌رسد.

چنانچه بیان شد در آینده، مؤلفه‌های ایدئولوژی، فرهنگ، ظرفیت‌های انسانی و اجتماعی، علمی، فناوری، قدرت قابل توجهی برای تمدن‌سازی خواهند داشت. تمدن غربی به‌رهبری آمریکا، به‌عنوان کشور مهد این تمدن، در حوزه‌های سیاسی، نظامی رو به افول است و از سوی دیگر، در آینده نیز قابلیت چندانی در حوزه‌های فرهنگی، ایدئولوژی و دین، علم و فناوری، اجتماعی و انسانی نخواهد داشت. در مقابل، ایران در حوزه‌های فرهنگی، دین و ایدئولوژی، ظرفیت‌های اجتماعی و انسانی، علم و فناوری، از غنای خوبی برخوردار است که می‌تواند نزاع تمدنی را به نفع تمدن اسلامی رقم بزند.

منابع

- ابوالفتح، امیرعلی (۱۳۸۱)، *برآورد/استراتژیک آمریکا*، تهران: نشر ابرار معاصر.
- امجد، محمد (۱۳۸۳)، *سیاست و حکومت در ایالات متحده آمریکا*، تهران: نشر سمت.
- امرایی، حمزه (۱۳۸۳)، *انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های سیاسی معاصر*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- پدرام، عبدالحریم و عیوضی، محمدرحیم (۱۳۹۳)، *درآمدی برآینده پژوهی اسلامی*، تهران: انتشارات مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- ترابی، یوسف (۱۳۸۸)، «سیاست‌های جمهوری اسلامی در مدیریت تنوعات اجتماعی»، فصلنامه دانش سیاسی، سال پنجم، شماره ۱.
- توفیق، فیروز (۱۳۸۴)، *آمایش سرزمین*، تهران: سازمان برنامه‌ریزی و مدیریت.
- جهان بین، فرزاد (۱۳۹۲)، *آینده انقلاب اسلامی و مؤلفه‌های فرهنگی قدرت*، تهران: انتشارات افق آینده.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۱)، «تعریفی نو از ژئوپلیتیک»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۴۸۸.
- حجازی، سیدحسین (۱۳۸۷)، «ظرفیت‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تهدیدات نرم آمریکا»، گزارش جمهور، شماره ۲۶-۲۷.
- حسینی، سید حسین (۱۳۹۳)، «روش تحلیل مؤلفه‌های مفهومی تمدن»، حکمت معاصر، سال پنجم، شماره ۲: ۲۱-۴۵.
- دورژه، موریس (۱۳۷۶)، *جامعه‌شناسی سیاسی*، ترجمه: ابوالفضل قاضی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- العزی، غسان (۲۰۰۰)، *سیاست القوه: مستقبل النظام الدولی والقوى العظمی*، بیروت: مرکز الدراسات الاستراتیجیه و البحوث و التوفیق.
- عنایت الله، سهیل (۱۳۸۸)، *تحلیل لایه لایه/ی علت‌ها*، ترجمه مسعود منزوی، تهران: مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۸)، «آینده انقلاب و منازعات آینده جهان»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال ششم، شماره ۱۸.
- فاضلی نیا، نفیسه (۱۳۹۴)، «ایدئولوژی تشیع، انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی»، فصلنامه ۱۵ خرداد، دوره سوم، سال پنجم، شماره ۱۹.
- فتحی، محمدجواد و شیروند، صارم (۱۳۹۵)، *ژئوپلیتیک کشور اوکراین و امنیت ملی فدراسیون روسیه*، تهران: انتشارات فرهیختگان دانشگاه.
- فتحی، محمدجواد و نظریان، ابودر (۱۳۹۵)، *انرژی دریای مازندران و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: انتشارات فرهیختگان دانشگاه.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۹)، «بهترین دنیاها» (مصاحبه مایکل لیرین و بناتریس با فوکویاما)، مترجم فرامرز رستمی، مجله سیاست بین‌الملل، شماره ۱۷۶.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۹۳)، *پایان تاریخ و انسان و پسین*، تهران: انتشارات سخنکده.
- لطیف پور، یدالله (۱۳۷۸)، *فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- لطیفی پور، یدالله (۱۳۷۹)، *فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- متقی، افشین (۱۳۹۲)، «تحلیل ژئوپلیتیکی مؤلفه‌های قدرت انقلاب اسلامی در جهان اسلام»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره ۶.
- محمدی مقدم، یوسف و همکاران (۱۳۹۵)، *مبانی آینده پژوهی*، تهران: مرکز تحقیقات علوم مدیریت و اقتصاد سلامت.
- مظفرپور، نعمت‌الله (۱۳۸۳)، «چیستی و کارکرد ایدئولوژی در سیاست خارجی آمریکا: بنیادها و چیستی ایدئولوژی و استمرار آن در طول تاریخ»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، سال چهارم، شماره ۳: ۴۱-۷۲.
- منصورنژاد، محمد (۱۳۷۸)، «تفکیک قوا، ولایت مطلقه فقیه و استقلال قوا»، فصلنامه حکومت اسلامی، سال ۴، ش ۱.
- مهدی زاده، جواد (۱۳۸۸)، «برنامه‌ریزی برای ساختن آینده، درآمدی بر مبانی و مفاهیم آینده پژوهی»، جستارهای شهرسازی، شماره ۳۸ و ۳۹.
- مینایی، مهدی (۱۳۸۳)، *مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی ایران*، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- نصری، قدیر (۱۳۹۲)، *تأملی نظری در ماهیت و روند تغییر در جهان عرب*، در *بیداری اسلامی در جهان عرب*: مطالعه موردی و نظری، فرزاد پورسعید، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ولایتی، علی اکبر (۱۳۸۲)، *پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران*، تهران: مرکز اسناد و خدمات پژوهشی.

- Ammon, H (1990), James Monroe: The Quest National Identity, Virginia University Press .
- Bell, Wendel (2011), Foundation Of Futures Studies: Human Science for a New Era: Values, Objectivity, and The Good Society, London and New
- Carmen Cismas, Suzana (2014), The Impact of American Culture on other Cultures: Language and Cultural Identity, RECENT Advances in Artificial Intelligence, Knowledge Engineering And Data Bases.
- Collier Lorna (2014) ,incarceration Nation the United States Leads the World in Incarceration. A New Report Explores Why and Offers Recommendations for Fixing The System. Apa, Available At:
- Glenn, Jerome (2003), Introduction to Future Research Methodology Series, Futurevenezuela Journal, Available at: WWW.Futurevenezuela.Org
- Godet, Michel (2006), creation futures (scenario planning as a strategic management tool), London press .
- H. Cordesman, Anthony (2014), Iran's Rocket and Missile Forces and Strategic Options, Center for Strategic and International Studies.
- <http://www.apa.org/monitor/2014/10/incarceration.aspx>
- Hunt, M (1987), Ideology and Us Foreign Policy, New Haven: Yale University.
- Jahanbin, Farzad (2016), The Analysis Of New Description An Modern Islamic Civilization From Ayatollah Khamenei S Perspective, Journal of Administrative Management, Education and Training, Volume(12), Issue(4), 396 -404.
- Obama, Barack (2015), Iran's Defense Budget Is \$30 Billion, our Defense Budget Is Closer to \$600 Billion, on Sunday, April 5th, 2015 in an Interview With The 'New York Times.' Available At: [Http://Www.Politifact.Com/Truth-O-Meter](http://Www.Politifact.Com/Truth-O-Meter)
- P. Huntington, Samuel (1993), The Clash of Civilizations, Foreign Affairs article, Foreign Affairs, Vol. 72, No3, pp. 22-49
- Ryn, C, G (2003), The Ideology Of American Empire, Oribis Safire .